

Analysis of Domestic and Foreign Trade of Sultan Abad in Iraq (Arak) (1324 AH /1906 AD -1360 AH /1941 AD)

Mahdi Jiryaei

Ph.D. Student of Iranian History after Islam, Kharazmi University, Tehran, Iran, jiryaeim@gmail.com

Hossein Moftakhari*

Professor of History, Kharazmi University, Tehran, Iran, moftakhari@khu.ac.ir

Mohammed Soleimani mehranjani

Associate Professor of Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran, m_soleimani_mehr@yahoo.com

Abstract

Sultan Abad, Iraq, is the old name of the city of Arak, which was built in the period of Fathali Shah Qajar in (1231 AH) by his commander Yusuf Khan Gurji. The early philosophy of the city was the creation of a military center and the construction of a garrison for the security of the region, which over time, the field of trade and economic activity were growing. This research is based on a descriptive-analytical approach relying on various documents related to that period, following the examination of the economic and commercial conditions of this region from the constitutional to the end of the first period of the Pahlavi. The purpose of this research is to explain how exports and complaints from foreign merchants and foreign companies in Sultan Abad to the relevant ministries, the National Assembly and the factors affected the foreign trade of this province, such as carpets. The findings of this research show that the attention of the central government and foreign companies along with the Armenian participation of Arak has become one of the main centers of carpet production in the mentioned period. On the other hand, during the First World War, followed by political, economic and logistical destabilization, slowed the development of Iraq. But with the establishment of the Pahlavi government, some of the organizational and administrative centers, such as financial institutions, the Chamber of Commerce, and joint stock companies, were established there and the prosperity of commerce in the aforementioned period increased.

Keywords: Soltan Abad, Foreign Trade, Domestic Trade, First Pahlavi, Carpet

* Corresponding author

فصل نامه پژوهش های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۹۹-۸۱
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۷/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۱

بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰ ق/۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱ م)

مهدی جبرائی* - حسین مفتخری** - محمد سلیمانی مهربانی***

چکیده

سلطان آباد عراق نام قدیمی شهر اراک است که در سال ۱۲۳۱ ق/۱۸۱۶ م، یعنی زمان فتحعلی شاه قاجار، سردار شاه به نام یوسف خان گرجی آن را بنا کرد. فلسفه اولیه بنای این شهر، ایجاد مرکز نظامی و ساخت پادگان برای امنیت منطقه بود که با گذر زمان، زمینه های تجارت و فعالیت اقتصادی در آن روبه رشد نهاد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی و با تکیه بر اسناد گوناگون مرتبط به آن دوره، در پی بررسی اوضاع اقتصادی و تجاری این منطقه از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول است. تبیین چگونگی صادرات و بررسی شکوایه های ارسالی تجار و تجارتخانه های خارجی در سلطان آباد عراق به وزارتخانه های مربوط و مجلس شورای ملی و نیز واکاوی عوامل مؤثر در تجارت خارجی این ولایت، مانند تجارت فرش، هدف این جستار است. یافته های پژوهش بیان کننده آن است که توجه حکومت مرکزی و کمپانی های خارجی همراه با مشارکت آرامنه اراک، در دوره یادشده آنجا را به یکی از مراکز اصلی تولید فرش تبدیل کرد. از سوی دیگر، جنگ جهانی اول و به دنبال آن بی ثباتی سیاسی و اقتصادی و تعرض های لرها، روند توسعه عراق را با کندی مواجه کرد؛ اما با استقرار دولت پهلوی، برخی از مراکز سازمانی و اداری مثل مؤسسات مالی، اتاق تجارت و شرکت های سهامی در اراک تأسیس شد و در عهد مذکور، تجارت از رونق بیشتری برخوردار شد.

واژه های کلیدی: سلطان آباد عراق، تجارت خارجی، تجارت داخلی، پهلوی اول، فرش

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، jiryaeim@gmail.com

** استاد تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) moftakhari@khu.ac.ir

*** دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، m_soleimani_mehr@yahoo.com

مقدمه

مذکور در جایگاه حسابدار و منشی و سایر کارگزاران ایفای نقش می‌کردند. به همین علت برخی از آنها پس از فعالیت و تجربه‌اندوزی در این راستا، شرکت‌های رقیبی با نام‌های تلفنیان، سلیم شاهیان، قارایت شاهیان، خیاطان، تافشانچیان و... تأسیس کردند. کار بیشتر این شرکت‌ها خرید فرش برای آمریکا و مرکز اصلی فعالیت آنها نیز بازار سلطان‌آباد بود.

پژوهش پیش رو موضوعات مهمی در زمینه تجارت عراق و عوامل مؤثر بر این تجارت مانند موقعیت جغرافیایی این منطقه و نقش این موقعیت در تجارت آنجا، وضعیت راه‌ها و حمل‌ونقل، سابقه تاریخی فرش‌بافی در این ولایت و مناسبات تجاری با ایالات داخلی و سایر کشورهای طرف تجاری را بررسی و تحلیل کرده است.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش حاضر باید گفت در این زمینه پژوهش‌های جزئی و کلی متعددی نگاشته شده است؛ اما در بیشتر آنها امور اقتصادی و تجاری این منطقه در دوره مذکور چندان در کانون اهتمام نبوده و به این موضوع تنها اشاره‌هایی گذرا شده است؛ از جمله این نگاشته‌ها باید به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱. «تاریخ عراق» نوشته میرزا محسن خان مستعان‌الدوله یا همان رضا وکیلی تبریزی طباطبایی که در دوره دوم مجلس شورای ملی نماینده آذربایجان بود. او در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م در سمت پیشکار وزارت مالیه در سلطان‌آباد عراق مشغول کار شد. در مدت حضور خود در آنجا، درباره اوضاع عمومی و اجتماعی سلطان‌آباد عراق پژوهش‌هایی انجام داد و آنها را به رشته تحریر درآورد. این کتاب چهار باب دارد و هر

تجارت و اقتصاد سلطان‌آباد عراق یکی از موضوعات مهم و درعین‌حال مسائلی است که تاریخ‌نگاران معاصر و محلی ایران و این شهر از آن غفلت کرده‌اند. در سده‌های معاصر به علت مشارکت اراک در امور اقتصادی و فعالیت‌های تجاری مهم همچون صنعت فرش دست‌بافت، حمل‌ونقل و تجارت تولیدات کشاورزی و غلات، تجارت صنعت پوست و روده و مانند آن تجارت این ناحیه رونقی خاص گرفته و اهمیتی والا یافته است؛ افزون‌براین، قابلیت ترانزیتی و استقرار بر خطوط مواصلاتی شرق به غرب و موقعیت خاص جغرافیایی (استراتژیک) شهر، عرصه را برای این امر مهیا کرده است. در گذشته به‌طور تقریبی هر کاروانی که قصد داشت در ایران از شمال به جنوب یا از شرق به غرب یا عکس آن حرکت کند، می‌بایست از مسیر این ولایت عبور می‌کرد و این مسئله به‌خودی‌خود بر رونق تجاری آن می‌افزود. بیهوده نیست که بسیاری از شرکت‌های خارجی مانند زیگلر (Ziegler)، ازمیر (شرق) (Izmir)، سند تاوجیان نیویورک (Tao Sindh Jian New York) و مانند آن مرکز تجاری خود را در این ولایت مستقر کردند. در دوره یادشده، اهمیت تجاری سلطان‌آباد عراق به حدی بود که تعدادی از کمپانی‌های نامبرده دفاتر مرکزی و نمایندگی کنسولگری کشور خود را به آنجا منتقل کردند.

نقش آرامنه ولایت عراق و دیگر شهرهای ایران، از جمله اصفهان نیز در گسترش تجارت این منطقه بسیار اهمیت داشت. جایگاه آنها در خرید و فروش فرش، در حکم واسطه و عامل فروش به شرکت‌های خارجی انکارناپذیر است؛ زیرا بیشتر آنها به واسطه بهره‌مندی از تحصیلات مناسب، در شرکت‌های

در این اثر نگاه مؤلف به مسائل جامعه‌شناسی شهری اختصاص یافته و موضوعاتی همچون علت‌های مهاجرت، اوضاع فرهنگی، بهداشت و درمان و مسائل اجتماعی واکاوی شده است. این پژوهش در زمینه‌آشنایی با امور جامعه‌شناختی برای پژوهشگران مفید فایده است.

موقعیت جغرافیایی سلطان‌آباد عراق (عصر قاجار و پهلوی)

در قدیم، عراق بزرگ به سرزمین وسیعی در کنار فلات مرکزی ایران و زاگرس شرقی اطلاق می‌شد که از شرق و غرب میان قم و همدان و از شمال و جنوب میان ری و اصفهان قرار داشت. در اصطلاح صاحب‌نظران علم جغرافیا و نویسندگان مسالک و ممالک، «عراق عجم» به چندین ولایت بزرگ و کوچک اطلاق می‌شد که در گذشته، این ولایات در قلمرو سرزمین وسیعی به نام «مدیا» (ماد) قرار می‌گرفتند (لسترنج، ۱۳۸۶: ۲۰۰). این منطقه گسترده با قدری اختلاف حدود، از شمال به دیلم و آذربایجان، از غرب به کردستان و کرمانشاه، از جنوب به لرستان و خوزستان و فارس و از شرق به خراسان و صحرای لوت منتهی می‌شده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۲).

در عصر قاجار و پهلوی اول، «عراق عجم» به چندین ولایت تقسیم می‌شد که هر یک حکمران و والی ویژه‌ای داشت. این ولایت در برگیرنده مناطق همدان، عراق، قم، ساوه، زرنند، قزوین، خمسه، تهران، کاشان، ولایات ثلاثه (کمره و گلپایگان و خوانسار)، اصفهان، یزد، ملایر، تویسرکان، نهاوند، دامغان، سمنان، شاهرود و بسطام بوده است (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۴۷ و ۴۸). در سال ۱۳۰۷ ق/ ۱۸۸۹ م، شهر

باب شامل چندین فصل است. در سال ۱۳۴۵ ش، دکتر منوچهر ستوده متن چاپ‌شده تاریخ عراق را بدون ویرایش، بازخوانی و یادداشت‌های توضیحی و تنها برای حفظ این اثر ارزشمند در شماره ۱۴ مجله فرهنگ ایران زمین چاپ و منتشر کرد. در سال ۱۳۹۵ ش به کوشش محمد مددی و همکاری دکتر شروین وکیلی، نوه نویسنده، تاریخ عراق بازخوانی و ویرایش ادبی و تاریخی شده و همراه با یادداشت‌ها، واژه‌نامه، نمایه، اسناد و عکس‌ها تدوین شد؛ سپس انتشارات آیندگان آن را منتشر کرد.

۲. «تاریخ اراک» این اثر را ابراهیم دهگان نگاشت. سه مجلد این اثر در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ و ۱۳۴۵ ش، تدوین شد و به چاپ رسید. جلد نخست این مجموعه رویدادهایی را ترسیم می‌کند که از دوره باستان تا آغاز دوره صفوی در حدود این منطقه به وقوع پیوسته است. جلد دوم دربرگیرنده وقایع این ولایت از آغاز دوره صفوی تا سفر ناصرالدین‌شاه به این سرزمین است. در این مجلد، چگونگی ساخت شهر و قلعه سلطان‌آباد و اهداف آن به‌خوبی تبیین شده است. جلد سوم با عنوان «کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک» در راستای تکمیل مباحث دو مجلد پیشین و درباره تاریخ انجدان، سادات اسماعیلیه و سالشمار وقایع شهرستان اراک از سال ۱۲۷۱ تا ۱۳۴۵ ش گردآوری شده است. این مجلد در سال ۱۳۴۵ ش منتشر شد.

۳. «سیمای اراک» (جامعه‌شناسی شهری): این مجموعه در چهار جلد و به قلم محمدرضا محتاط به رشته تحریر درآمده است. هدف نویسنده از تألیف این مجموعه، گردآوری آمار و اطلاعات در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی این دیار بوده است که برای برنامه‌ریزان شهری بسیار سودمند است. گفتنی است

عراق به بروجرد از راه زالیان؛ ۵. راه عراق به همدان از راه خنداب؛ ۶. راه عراق به قم؛ ۷. راه عراق به تهران از راه ساوه (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۳).

دولت پهلوی با هدف تمرکزگرایی و اعمال قدرت نظامی در سراسر کشور، به احداث راه‌های اصلی و همچنین گسترش راه‌های فرعی مانند مسیر عراق ملایر و راه عراق خمین دلجان اقدام کرد. در این راستا، مبلغ ده هزار تومان برای جاده عراق ملایر و مبلغ پانزده هزار تومان برای ساخت جاده از عراق به سمت خمین و دلجان اختصاص داد. گفتنی است گسترش راه‌های شوسه و تأسیس راه‌آهن و بهبود وضع حمل و نقل از اقدامات مهم مجلس پنجم بود که توسعه تجاری و اقتصادی را به دنبال داشت. در جلسه دویست و هفتم این مجلس، لایحه دولت برای گسترش راه‌های عراق، خمین، بروجرد، ملایر، دلجان، خمین بررسی شد و بودجه‌ای نیز برای آن در نظر گرفته شد (مذاکرات مجلس پنجم، ۱۴۵۶/۲).

با نگاهی به اسناد آن دوره درمی‌یابیم تا پیش از دولت پهلوی اول عمده وسایل حمل و نقل در این راه‌ها اسب، قاطر، الاغ، شتر، گاری و دوچرخه بود که این شیوه تردد در عراق نیز رواج داشت. براین‌مبنای فخرالملک، حاکم عراق، در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م تلگرافی مبنی بر تشکیل دایره نواقل در این ولایت به وزارت داخله ارسال کرد و خواستار گرفتن مالیات از این اداره شد (ساکما، ۲۴۰/۴۷۳۹۹، برگ ۲). گزارش معتمدالدوله، حاکم سلطان‌آباد، در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م که در تلگرافی به وزارت داخله ارسال دویست بار غلات با قاطر و شتر را برای تغذیه نیروهای روسی زیر فرمان ژنرال باراتف (General Baratov) در کرمانشاه گزارش می‌کند علتی دیگر در استفاده از این نوع اسباب حمل و نقل

سلطان‌آباد حاکم‌نشین ولایت عراق و فراهان بود (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۷۱)؛ اما در دوره پهلوی اول «تعداد بلوکات عراق: کزاز، سره‌بند، شراه، بزچلو، وفس، رودبار، تفرش، فراهان، آشتیان و ایبک‌آباد بود و تعداد نفوس آن به‌طور تقریبی: سلطان‌آباد: ۴۵ هزار، بلوکات: ۲۴۰ هزار و جمع آن ۲۸۵ هزار» (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۱).

وضعیت راه‌ها و خطوط حمل و نقل (عصر قاجار و پهلوی)

پس از جنگ جهانی اول، وضعیت راه‌ها تاحدی بهتر از گذشته شد. در این دوره انگلیسی‌ها برای عبور وسایل موتوری خود، به احداث راه‌های شوسه و خطوط راه‌آهن اقدام کردند؛ همچنین جاده‌های غیرشوسه و عبورکردنی، از جمله راه تهران عراق (اراک) که بیشتر محل عبور کاروان‌ها بود در کانون توجه قرار گرفت (میلسپو، ۱۳۵۶: ۲۳۶ تا ۲۳۸). شایان ذکر است با استقرار شرکت زیگلر (Ziegler Co.) این موضوع با اهتمام و استقبال بیشتری روبه‌رو شد؛ زیرا تجارت فرش در سلطان‌آباد و تسهیل بستر این فعالیت اقتصادی هدف اصلی آنها بود. در این راستا، شرکت انگلیسی لینچ (Lynch Co.) با همکاری تجارتخانه زیگلر، امتیاز ساخت راه شوسه تهران به عراق و خرم‌آباد را از دولت ایران گرفت (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۴) تا گامی مهم در راستای رونق تجاری این دیار باشد. غیر از جاده مذکور، راه‌های شوسه دیگری نیز وجود داشت که ولایت عراق را به ولایات هم‌جوار متصل می‌کرد؛ از آن جمله باید به نمونه‌های زیر اشاره کرد: ۱. راه عراق به خمین و گلپایگان و خوانسار؛ ۲. راه عراق به دلجان و اصفهان؛ ۳. راه عراق به ملایر از راه طوره؛ ۴. راه

ربودند و مابقی را به آتش کشیدند و اگر کسی در مقابل آنها ایستادگی می‌کرد کشته می‌شد (کمام، ۲/۱۵۹ / ۲۸/۱/۱۶، برگ ۵).

پیام اعتراض علی‌آقا فراهانچی که از تجار معروف و از آزادی‌خواهان مشروطه‌طلب بود، بخشی از ظلم و تعدی سالارالدوله را در این منطقه به‌خوبی به تصویر می‌کشد: «سالارالدوله وارد عراق شدند و به جرم مشروطه‌خواهی، انواع و اقسام اذیت بر اهالی وارد کردند و با پنهان‌کردن عیالات و فراری خودم، دو بیست و بیست و یک خروار از قرار خرواری نه تومان با همه نوع افتضاح و هتک آبرو از فدوی به‌جبر گرفتند و یک‌هزار تومان چپاول از خانه و خسارات فوق‌الطایفه» به بار آوردند (کمام، ۲/۱۵۹ / ۲۸/۱/۱۱، برگ ۱).

براساس اسناد موجود در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م، درباره‌ی جلوگیری از اقدام اشرار برای امنیت آرامنه‌ی سلطان‌آباد، از ناحیه وزارت داخله به صمصام‌السلطان امیر تومان عراق و سهام‌السلطان این‌گونه سفارش شد: «از وزارت امور خارجه برطبق اشعارات کارگذاری عراق هذ ه سنه که جمعی از اشرار و مفسدان به خانه خلیفه خورن حمله برده و دوباره اقدامات ارتجاع‌کارانه می‌کنند تلگرام راپورت اقدامات شما هم در ضمن به وزارت داخله رسیده است و از حسن مراقبت شما کمال خرسندی حاصل است. باوجود این می‌نویسم که به‌خصوص در جلوگیری و ممانعت از این قبیل شرارت‌ها مراقبت کنید مرتکبان را مجازات سخت بدهید و موجبات امنیت و آسایش خلیفه خورن و جماعت آرامنه به‌طور کامل فراهم آورید که به آنها تعدی و مزاحمتی نشود و دیگر بی‌نظمی و اغتشاش روی ندهد» (ساکما، ۲۹۳/۵۹۶۱، برگ ۲).

در عراق است (ساکما، ۲۹۳/۳۳۷۹، برگ ۱). براساس این گزارش چنین برداشت می‌شود که قاطر و شتر از عمده وسایل حمل‌ونقل اموال بازرگانان در ولایت عراق بوده است.

اوضاع اقتصادی اجتماعی سلطان‌آباد عراق از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۶۰ ق/ ۱۹۰۹ تا ۱۹۴۱ م

به‌علت قابلیت‌های ترانزیتی و تولیدات زراعی متنوع، اقتصاد و تجارت عراق از دیرباز در کانون توجه بوده است. محصولات مهمی همچون گندم، جو، حبوبات، پنبه، تریاک، گردو و بادام، این منطقه را توانگر کرده است و بخش عظیمی از این فراورده‌ها به‌همراه صنایع دستی، همچون فرش، کالاهای صادراتی آن را شکل داده‌اند. ازسوی دیگر، این ولایت واردکننده کالاهایی همچون قند، چای، برنج، نفت، شکر، قماش، ادویه، حنا، نیل، روناس، پشم، نخ و بلورآلات بود (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۲). دانستنی است تا سال ۱۳۲۷ ق/ ۱۹۰۹ م، توسعه و تحولات اقتصادی این دیار به‌خوبی روبه‌رشد بود؛ ولی دیری نپایید که به‌علت ناامنی، رو به زوال نهاد. در این سال، منطقه عراق از شورش سالارالدوله که خود را وارث تاج‌وتخت محمدعلی‌شاه قاجار می‌دانست در امان نماند. منطقه دچار بحران و قحطی فراگیر شد و به مالکان و تجار صدمات سنگینی وارد شد. لرها که حامیان اصلی سالارالدوله بودند به سراسر ولایت عراق تاخت‌وتاز کرده و همه جا را غارت و روستاها را تخریب کردند؛ سپس افراد را به کوچ اجباری وادار کردند. آنچه دارایی رعیت بود از مال، حشم، گوسفند و اسباب خانه را غارت کردند و برای توقف شب و روز اردو که در خاک شراً (بخش خنداب) اقامت داشت تمام خرمن و حاصل را هم

در این وضع ناامن و بحرانی، در شهر سلطان‌آباد فتنه و بلوایی روی داد. اساس این فتنه برخی شایعاتی بود که تجارتخانه زیگلر در عراق منتشر کرده بود و تحریک مردم عوام و ساده‌لوحان را باعث شده بود. این فتنه انتظام شهر را از بین برد و آقایان سهام‌السلطان و صمصام‌السلطان درباره اقدامات تجارتخانه گزارشی به وزارت داخله ارسال کردند و چون در برخورد با عاملان تجارتخانه که خود را ویس (نماینده) قنصل سفارت انگلیس در عراق می‌دانستند و پاسخگو نبودند، ناتوان بودند از تهران مساعدت فوری طلب کردند. البته آنها در نهایت خودشان نیز در برخورد با شورشیان و اشرار عراق که مصدر فتنه و شرارت بودند و جان اهالی و اتباع خارجه مقیم شهر را تهدید می‌کردند، ایستادگی کردند. تلگراف جمعی از اتباع خارجه به وزارت داخله به پاس قدردانی از سهام‌السلطان و صمصام‌السلطان مبنی بر جلوگیری از تجاوز و حمله اشرار عراق به تجارتخانه‌ها مبین آن است (ساکما، ۲۹۳/۶۲۳، برگ ۸۱ا).

جالب است اشاره کنیم در خلال جنگ جهانی اول، خسارت‌های حاصل از اشغال منطقه توسط قوای اشغال‌کننده روس و عثمانی نیز بر شدت بحران اقتصادی و اجتماعی منطقه افزود و اخلال در امر تجارت را باعث شد (ساکما، ۲۱۰/۱۰۸۴، برگ ۲). حضور این اشغالگران با مخالفت‌های فراوانی، از جمله مخالفت سفارت انگلیس، مواجه شد. سفارت انگلیس در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م و در یادداشتی به وزارت خارجه ایران درباره شرکت حمل‌ونقل انگلیس در منطقه، خروج کمیته دفاع ملی و آلمان‌ها را از این منطقه خواهان شد و در این زمینه، دولت ایران را در فشار قرار داد که متعاقب آن در همان روزها کمیته ملی و نیروهای آلمانی از قم و عراق

خارج شدند (ساکما، ۲۹۰/۱۸۳۹، برگ ۲). در پی این حوادث و اقدامات دولت‌های خارجی و اشرار داخلی، رکود نسبی بر تجارت عراق سایه افکند و مرحله جدیدی از زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم و صاحبان مشاغل، از جمله دست‌اندرکاران صنعت فرش و بافندگان قالی، در سلطان‌آباد رقم خورد؛ زیرا معیشت افراد دارای نفع و امنیت جانی آنان در گرو گسترش صنعت قالی‌بافی و صادرات آن بود.

ناگفته نماند با رویدادهای ناگوار یادشده در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م، سراسر ایران از جمله تهران را کمبود غله و قحطی فراگرفت. در این زمان، دولت وثوق‌الدوله برای رفع مشکلات تهران تمهیداتی اندیشید و ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در مجلس را مسئول خرید گندم از سایر ولایات برای پایتخت کرد. ارباب کیخسرو در کتاب خاطرات خود در این زمینه می‌نویسد: «بهای گندم که در آغاز سال در تهران خرواری سی و پنج تومان و در عراق خرواری بیست تومان، حالا در تهران به خرواری نود تومان رسیده است و احمدخان آذری که رئیس بازرسان وزارت مالیه بود، در سلطان‌آباد یک‌هزار خروار گندم به قیمت خرواری سی تومان به من فروخت» (ارباب کیخسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۷).

براساس سند موجود از وزارت داخله، در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م بحران قحطی سراسر ایران، به‌ویژه تهران را فراگرفت. در تهران وضعیت بسیار خطرناک و جدی بود و تمام توجهات دولت را به خود مشغول کرده بود؛ به طوری که اگر ترتیب اثر داده نمی‌شد، در پایتخت جان هزاران نفر به خطر می‌افتد. از قرار گزارشی که ارباب «کیخسرو» به دولت داده است: «ده خروار گندم محمول از عراق را که نماینده مشارالیه خریداری و برای مرکز فرستاده بود در قم،

اهالی مانع شدند و به مصرف خبازخانه‌های آنجا رسانند. نظر به عسرت آذوقه در آنجا مقرر شد که قیمت گندم را مطالبه کنند؛ ولی لازم است به ملاحظه فقدان جنس در تهران، تلگراف مؤکد به حکومت قم صادر فرمایید که اهالی آنجا به هیچ وجه معترض جنسی نشوند که برای مرکز حمل می‌شود» (ساکما، ۱۹۸۵/۲۴۰، برگ ۲ تا ۴).

البته باید گفت در این اوضاع ناگوار، ولایت عراق به لحاظ ذخیره غله در مقایسه با دیگر ولایات در وضع بهتری بود؛ برای نمونه براساس اسناد و مدارک موجود، در سال ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۷ م کمبود و گرانی نان در قم، ولایت هم‌جوار عراق، اغتشاش و تشویش اهالی را باعث شد. این در حالی بود که اوضاع عراق به مراتب بهتر بود و گندم مصرفی خبازخانه قم به طور معمول از عراق وارد می‌شد؛ اما به علت ممنوع شدن حمل گندم از عراق، بیشتر علما و تجار و اعیان قم وقت خود را برای مذاکره و خرید گندم صرف می‌کردند (ساکما، ۱۹۵۱/۲۴۰، برگ ۱). همچنین در سال ۱۳۳۸ ق/ ۱۹۱۹ م، «از قرار اظهار عمده تجار، حکومت عراق و خمین مانع حمل گندم به اصفهان شدند» (ساکما، ۱۹۱۲/۲۹۱، برگ ۱)؛ بنابراین حکومت اصفهان در نامه‌ای با اشاره به فراوانی محصولات منطقه عراق، تقاضای مساعدت و ارسال گندم کرد. در متن سند صادرشده این‌گونه آمده است: «با اینکه جنس فراوان در عراق است و حاصل‌ها خوب و رحمت‌های متواتر باریده آثار خیر و فراوانی ظاهر است، جلوگیری نکنید بلکه برحسب قولی که داده‌اید مساعدت و همراهی فرمایید گندم به اصفهان حمل شود» (ساکما، ۱۹۱۷/۲۹۱، برگ ۱).

با دامن‌گسترده جنگ جهانی اول و با خروج تجارتخانه‌های خارجی و داخلی و تعطیلی مراکز قالی‌بافی، رکود اقتصادی شهر سلطان‌آباد رقم

خورد؛ اما برخی از اسناد یافت‌شده این خروج را به صورت یکجا تأیید نکرده و آن را روندی تدریجی ذکر کرده‌اند که تا سال ۱۳۵۵ ق/ ۱۹۳۶ م و تأسیس شعبه‌ای از شرکت سهامی فرش ایران در سلطان‌آباد ادامه یافت. بیشتر این اسناد از اختلاف‌ها و شکایت‌های تجارتخانه‌ها با یکدیگر و افراد حقیقی حکایت دارند؛ اما همین نمونه‌ها از کار و فعالیت اقتصادی در سال‌های جنگ و پس از آن نشان دارند. افزون‌بر آن، در این دوران خرید فرش ایران در بازار آمریکا جنبشی دیگر در تولید فرش منطقه عراق، به ویژه قالی بافت منطقه ساروق به راه انداخت و اسباب رونق مجدد اقتصاد شهر سلطان‌آباد را نیز فراهم کرد؛ به طوری که در سال ۱۳۵۳ ق/ ۱۹۳۵ م، صادرات هر ماه فرش به آمریکا حدود هشتصد عدل، به وزن چهارصد خروار، گزارش شده است (ساکما، ۱۹۲۰/۲۴۰، برگ ۱).

پس از این حوادث، اقتصاد این منطقه به تولید و صادرات فرش به اروپا و آمریکا گرایش یافت که مطالعه اسناد این حقیقت را به خوبی نشان می‌دهد؛ برای نمونه وکالت‌نامه حاج‌علی کمپانی در سال ۱۳۴۲ ق/ ۱۹۲۴ م، مبنی بر معرفی محسن ملکی برای خرید فرش و ارسال به آمریکا نشان‌دهنده وابستگی تجارت عراق به صنعت و صادرات فرش است (ساکما، ۱۹۳۸/۳۶۰، برگ ۱). گزارش دیوان محاکمات وزارت امور خارجه به کارگزاری مهام خارجه (نایب اول/ معاون وزارت خارجه) در سلطان‌آباد عراق نمونه‌ای دیگر در تأیید این مدعاست. این گزارش درباره مطالبات تجارتخانه قره‌گزیان آمریکایی از احمد هزاوه‌ای، از تجار برجسته بازار سلطان‌آباد، صادر شده که براساس آن، بابت خرید قالی چهارصد تومان به کمپانی بدهکار بوده است و از تعلل و اجتناب او در تأدیه طلب

آمریکا از بندر شاهپور، با احداث خط‌آهن اهواز به این بندر در صادرات کالا گشایش جدیدی ایجاد شد. مارد بروس بلدی (Mardi Bruce Baladi) که در سال ۱۳۵۴ق/۱۹۳۵م در شبکه حمل‌ونقل متحده عراق و ایران خدمت می‌کرد در این زمینه می‌نویسد: «سلطان‌آباد که محل صادرات فرش است، در هر ماه صادرات فرش آن در حدود هشتصد عدل و به وزن چهارصد خروار می‌شود و از این چهارصد خروار قریب صد خروار از راه اهواز و مابقی از راه کرمانشاه به آمریکا حمل می‌شود. با حضور خود در سلطان‌آباد تجار و صادرکنندگان فرش را به راه اهواز دعوت کردم و مدت دو سال است با زحمات بسیار به تجار و صادرکنندگان فرش ایران فهمانیدم که این راه هم از جهت کرایه مناسب و هم به مدت پنجاه روز به آمریکا می‌رسد» (ساکما، ۲۴۰/۲۰۹، برگ ۴).

شایان ذکر است علاوه بر جاده‌های ارتباطی در ایالت عراق، شبکه‌های ارتباطی دیگر، همچون تلگراف و پست، روند تجارت را رونق می‌بخشید و تأسیس شعبه تلگرافی در سلطان‌آباد در راستای این هدف بود (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۹۰ و ۹۱).

با نگاهی کوتاه به گزارش‌های این دوران، باید گفت با وجود دوام فعالیت‌های اقتصادی در این دیار، فرازوفرودهای ناشی از ناامنی و جنگ، بر بازرگانی این منطقه آثار سلبی بر جای نهاد و بی‌اعتمادی و تردید بازرگانان را فراهم کرد. ضعف دولت مرکزی، اشغال منطقه توسط قوای متخاصم و قدرت‌گیری سرکشان و غارتگران در گوشه و کنار آنجا نیز این آثار را تشدید کرد که نتیجه حاصل از آن کاهش نسبی تولید، از جمله فرش و صادرات بود. این اوضاع نامساعد، در فاصله سال‌های بین جنگ جهانی اول و دوم زمینه را برای تعطیلی و فروش دفترخانه‌های

تجارتخانه حکایت دارد و اینکه یک باب منزل مسکونی نامبرده در سلطان‌آباد، در مقابل طلب تجارتخانه توقیف شد (ساکما، ۳۶۰/۸۸۴۴، برگ ۲).

باتوجه به نسخه‌ای از گزارش صبا، کفیل وزارت مالیه، در سال ۱۳۴۶ ق/۱۹۲۷م درباره وضعیت اقتصادی این منطقه برای گسترش راه‌ها و استفاده از عواید آن برای حمل تولیدات این ولایت، از جمله معادن، وضع ولایت عراق درخور توجه است: «معادن کشف‌شده و استخراج‌شده: نمک، خاک و سنگ، گل سرشور، سنگ آسیاب و گچ است. معادن کشف‌نشده و استخراج‌نشده عبارت است از: نقره، سرب و زغال‌سنگ» (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۳).

صبا پیشنهاد روش اصلاح اوضاع اقتصادی و کشاورزی ولایت عراق را این‌گونه بیان می‌کند: «استخراج معادن استخراج‌نشده، اصلاح امور حمل‌ونقل، تعمیر راه‌های شوسه، ایجاد بانک فلاح، رفع عملیات رعیت، آبادکردن آنهایی که اکنون مخروبه است، جلوگیری از امراض حیوانات، توسعه و تربیت امور زراعت، ترویج و تکمیل صنایع» (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۳). این سند بیان‌کننده

موقعیت مطلوب سلطان‌آباد در زمینه کشاورزی و فرآورده‌های زراعی است که در صورت وجود امنیت و سرمایه‌گذاری و گسترش راه‌های ولایت عراق، بازرگانان و سرمایه‌گذاران این امکان را دارند که در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، با آسودگی در داخل کشور تجارت کنند. در تأیید این مدعا و باتوجه به افزایش تولید فرش در سایه حضور تجار و شرکت‌های خارجی، ظل‌السلطان می‌نویسد: «شهر عراق به واسطه قالی‌بافی که رواج فوق‌العاده دارد ممتمول و آباد شده» (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۲۷۱). از این رو برای حمل فرش‌های صادراتی سلطان‌آباد به

فارسانی، ۱۳۸۴: ۴۰۵ و ۴۰۶).

از مفاد نظام‌نامه اساسی اتحادیه، اهداف تجار از ایجاد چنین تشکلی به‌خوبی مشخص می‌شود. آنها به‌دنبال توسعه اقتصادی در هر سه شاخه تجارت، صنعت و کشاورزی بودند (تراپی فارسانی، ۱۳۸۴: ۳۷۶). اتحادیه تجار شهرستان‌ها نیز به‌تدریج در سال‌های بعد شکل گرفت که تأسیس اتاق تجارت عراق در سال ۱۳۵۰ ق/ ۱۹۳۱ م/ در راستای آن بود (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۳۳).

ازجمله گزارش‌های تاریخی درباره اتاق تجارت عراق، ارسال اسامی هفت نفر از منتخبان آن در آذر ۱۳۱۱ ش/ نوامبر ۱۹۳۲ م، به اداره کل تجارت کشور بود (مجله اتاق تجارت، ۴ (۱۷۷۹) آذر ۱۳۱۱، ۲). گزارش پایان دوره قانونی این مرکز نیز از دیگر گزارش‌های آن دوره است که براساس آن، کمیسیون تجدید انتخابات در اداره حکومتی عراق تشکیل شد و دفاتر مخصوص ثبت در مدت پنج روز در مراکز معینی قرار گرفت تا تجار و مدیران شرکت‌ها مراجعه کنند و آراء خود را به ثبت رسانند (مجله اتاق تجارت، ۶ (۲۵۸۹) شهریور ۱۳۱۴، ۴).

جلسه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۶ ش/ ۱۶ مه ۱۹۳۷ م و پرداختن به موضوع تعرفه تجار از اقدامات دیگر اتاق تجارت ولایت عراق بود که براساس آن مقرر شد هر شرکتی که تعرفه تجاری خود را به تصدیق اتاق تجارت محل، تنظیم و تسلیم اداره کل تجارت نکرده باشد، حق دریافت مجوز واردات کالا را ندارد و اداره مذکور به درخواست ایشان ترتیب اثر نخواهد داد (مجله اتاق تجارت، ۸ (۱۶۱ و ۱۶۲) مرداد ۱۳۱۶، ۲۲). همچنین در جلسه ۱۶ آذر ۱۳۱۶ ش/ ۷ دسامبر ۱۹۳۷ م، اتاق تجارت عراق پس از ثبت اسامی شرکت‌های تجاری، گزارشی به اداره ثبت عراق ارسال کرد که اسامی آنها به این قرار

تجارتی فراهم آورد که از آن‌جمله باید از ساختمان تجارتخانه زیگلر یاد کرد که پس از انحلال شرکت و کنسولگری آنها در عراق تعطیل شده بود. بعدها یکی از متمولان شهر به نام حاج محمدحسین میثمی وکیل، این ساختمان را خریداری کرد و از آن‌پس به نام قلعه حاج وکیل شهرت یافت. به‌دنبال آن نماینده شرکت تاوسندجیان نیویورک نیز فرمان فروش عمارت مجلل و زیبای شرکت را صادر و اعلام کرد حاضر است به هر قیمتی که شایسته باشد به دولت شاهنشاهی ایران بفروشد (ساکما، ۲۴۰/۵۷۴۸).

نکته تأمل‌برانگیز آنکه این رکود اقتصادی را نباید به‌کلی از اوضاع نامساعد داخلی ناشی دانست؛ زیرا بحران اقتصادی کشورهای دیگر، ازجمله آمریکا که بازار اصلی فرش ولایت عراق در دوره اخیر به شمار می‌رفت در رکود سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ ق/ ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ م، تأثیری مهم داشت (زندى، بی‌تا، ۲۰۸).

در وضع موجود، تجار نیز در سطح کلان بیکار نشستند. به‌دنبال بروز این مشکلات در ایران و در غیاب نهادهای مدرن و نبود دولت مقتدر که چندین سال پس از مشروطیت همچنان محقق نشده بود، آنها ساختارهای درونی طبقه خود را تقویت کردند و به نهادسازی و ایجاد تشکلهای منسجم برای حمایت از منافعشان برآمدند. علاوه‌براین مرادوات بازرگانی با دیگر کشورها نیز در تشکیل چنین نهادهایی تأثیرگذار بود؛ زیرا بازرگانان خارجی به کسب آگاهی‌های بیشتر درباره تجار و موقعیت اقتصادی ایران نیازمند بودند و وجود نهاد مشخصی را برای ایجاد ارتباط و کسب اطلاعات ضروری می‌دانستند؛ ازاین‌رو در ایران تشکلهایی با نام اتحادیه تجار به وجود آمد که به‌لحاظ سازمانی، تشکیلاتی دقیق و مشخص در مرکز و سپس شهرستان‌ها داشت (تراپی

بود: ۱. شرکت چای با سرمایه ۲۲ هزار ریال؛ ۲. شرکت پخش سیگار با سرمایه ۲۰۰ هزار ریال؛ ۳. شرکت توتون ساییده با سرمایه ۳۰۰ هزار ریال که در شرف تأسیس و جریان ثبت بود (مجله اتاق تجارت، ۹، (۱۷۴) ۱۵ بهمن ۱۳۱۶، ۲۴).

شایان ذکر است یکی از خواسته‌های تجار این ولایت، اصلاح امور مالی از قالب سنتی آن و «استقلال عملیات بانکی و انتقاد از سیطره بانک شاهنشاهی بر اقتصاد ایران بود» (ترابی فارسانی، ۱۳۸: ۴۷۰). در پی این تقاضا، شعبه‌ای از بانک شاهنشاهی تهران که رئیس آن ویلکن سن (Wilken Sen) بود، در عراق تأسیس شد تا ضمن انجام امور صرافی و بانکی و پرداخت وام، به دریافت وجوه امانتی مردم اشتغال ورزد (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۵). در سال ۱۳۴۹/ق ۱۹۳۰م میرزا حسن خان ارفع، فرماندار سلطان‌آباد و مؤسس بانک، از میرزا حسین خان پرچم، رئیس بانک پهلوی، دعوت کرد تا شعبه بانک پهلوی عراق را با حضور طبقات مختلف و رؤسای اداره‌ها و اعیان و تجار داخلی و خارجی افتتاح کند (ساکما، ۲۹۰/۲۲۱۸). براساس گزارش‌نامه عراق، پس از آن بانک ملی (نامه عراق، ۲ (۱۵۲) سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۱۴، ۲) و بانک فلاحتی نیز (نامه عراق، ۴ (۴۳۴) پنجشنبه ۱ مهر ۱۳۱۶، ۱) در سلطان‌آباد تأسیس شد.

مناسبات تجاری سلطان‌آباد از دوره مشروطه تا پایان پهلوی اول

چنان‌که پیش‌تر بیان شد تجارت از اصلی‌ترین شاخصه‌های اقتصادی ولایت عراق در دوره قاجار و پهلوی بود که پیوسته با فراز و فرودهایی روبه‌رو شد. در خلال جنگ جهانی اول، دولت در جایگاه نماینده

ملت در دفاع از مردم توانایی لازم را نداشته و این موضوع واکنش‌های مثبت و منفی ایلات و عشایر را به همراه داشت. در سال‌های جنگ، قدرت حکومت مرکزی به یک‌باره از میان رفت و زعمای محلی، ملاکان و خوانین ایلات و عشایر این فرصت را یافتند که استقلال خود را بروز دهند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۳۵)؛ به عبارتی دیگر، عشایر و حکام ولایات مختلف صدور اعلامیه بی‌طرفی از طرف دولت مرکزی را نادیده گرفتند و هریک به فراخور منافعشان به اقدام لازم دست زدند؛ برای مثال احتشام‌السلطنه، حاکم سلطان‌آباد، از اقدامات روس و انگلیس حمایت کرد که این برخلاف روح بی‌طرفی دولت مرکزی ایران بود (ساکما، ۲۹۰/۱۴۰۵). همچنین تجارتخانه‌های کشورهای درگیر جنگ که در سلطان‌آباد مشغول فعالیت اقتصادی بودند با هجوم افراد وابسته به طرف مقابل یا اشرار روبه‌رو می‌شدند و اموال و کالاهای آنها به غارت می‌رفت. در این باره سفارت انگلیس در تلگرافی به وزارت داخله خبر داد: «به توقیف نیلی که از شرکت زیگلر سرقت شده است با حضور میرزا طراسی‌خان نماینده کنسولگری سلطان‌آباد عراق و بعضی از تجار که مقداری نیل‌ها را خریده‌اند مشغول جست‌وجو و استرداد نیل‌های مسروقه و غرامت آنهاست» (ساکما، ۲۹۰/۲۴۲۶، برگ ۱۳).

گزارش اهالی عراق به مستوفی‌الممالک، نخست‌وزیر ایران، درباره اوضاع نابسامان این ولایت نشان‌دهنده آن است که در سال ۱۳۳۳/ق ۱۹۱۵م، در اثر تجاوز قشون عثمانی و روس به عراق، به بسیاری از اموال و نوامیس مردم تعرض شد که در پی آن «گرفتن سیورسات عدیده بلاوجه و غارت دهات و هزارگونه افتضاحات دیگر که قلم از شرح آنها شرم دارد و همچنین در مقابل تعدیات جمعی از اشرار

خارجی و داخلی تشکیل شده است» (ساکما، ۲۴۰/۶۳۸۶).

شرکت‌های خارجی قالی‌هایی با نام تجاری ساروق و مشک‌آباد را با طراحی، رنگ‌آمیزی و نقشه‌های جدید سفارش می‌دادند؛ بنابراین رکود و رونق بازار سلطان‌آباد به‌طور مستقیم با این کالای باارزش مرتبط بود. بیشترین فعالیت تجار بازار، در نقش تجار خرد یا متوسط یا بزرگ، به خرید و فروش یا مصالح بافت آن اختصاص داشت که برخی در نقش تاجر مستقل و در رقابت با شرکت‌های بزرگ شهر بوده و گروهی در نقش واسطه برای شرکت‌های فرش خارجی بودند و در این‌باره شرکت‌های خارجی گاه اجحافتی نیز به بافندگان می‌کردند؛ بنابراین وزارت فلاح و تجارت برای جلوگیری از این ظلم‌ها و در تعقیب شکایت اداره بین‌المللی مشاغل، در سال ۱۳۴۰ ق/ ۱۹۲۱ م قانون کار بر مشاغل از جمله قالی‌بافی را تصویب کرده و در ماده چهارم مقرر کرد «به‌طور کلی مدت کار برای کارگران در کارخانجات قالی‌بافی و پارچه‌بافی در تمام فصول بیش از هشت ساعت نخواهد بود؛ مگر برای اشخاصی که به‌طور مقطعه از روزانه کار می‌کنند» (ساکما، ۲۴۰/۶۳۸۶، برگ ۵).

مدارک و شواهد موجود از شهر سلطان‌آباد در سال ۱۳۴۶ ق/ ۱۹۲۷ م، روشن‌کننده این مطلب است که فرش‌های بافته و صادر شده به‌طور تقریبی شش میلیون تومان بوده و میزان تقریبی صادرات غله بیست‌هزار خروار و کشمش دوهزار خروار بود. عرضه پوست گوسفند و روده نیز بخشی از صادرات بود (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۲). همچنین در سال ۱۳۵۴ ق/ ۱۹۳۵ م «هر ماه صادرات فرش سلطان‌آباد به آمریکا در حدود هشتصد عدل و به وزن چهارصد خروار می‌شد» (ساکما، ۲۴۰/۲۰۹، برگ ۴). براساس

ولایتی که هرکس عده سواره و پیاده دور خود جمع کرده دهات را غارت و اموال رعیت را به چپاول می‌برند و در این مدت حاکمی نبوده که از این پیشامدها جلوگیری کنند» (ساکما، ۲۱۰/۱۰۸۴، برگ ۱ و ۲).

براساس مجموعه اسناد بررسی‌شده در این جستار، روابط تجاری سلطان‌آباد در دوره پس از مشروطه تا عصر پهلوی اول با کشورهای اروپایی و آمریکا بوده است. در این سال‌ها تجار عراقی محصولات کشاورزی، پوست و فرش به اروپا و آمریکا صادر کرده و در مقابل، کالاهای مصرفی خود را خریداری می‌کردند (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۲). اخبار معاملات بازار سلطان‌آباد با استناد به گزارش «نامه عراق» که پس از اسفندماه ۱۳۱۳ ش/ مارس ۱۹۳۵ م در دسترس است، این مهم را آشکار می‌کند که بیشترین حجم تجارت خارجی شهر سلطان‌آباد به «فرش نخ فرنگ» مربوط بوده است. سابقه و استعداد قالی‌بافی در ولایت عراق و همچنین زیبایی و دوام قالی‌های فراهان (ساروق و جیریا)، سلطان‌آباد و سربند (شازند) در شکوفایی صادرات بسیار مؤثر بوده است؛ از این‌رو در حدود پنج‌هزار کارگاه و نزدیک به ده‌هزار قالیباف در سلطان‌آباد و ۱۵۰ روستا به این فعالیت اشتغال داشتند؛ به‌طوری‌که ارزش صادرات قالی‌های فراهان و سلطان‌آباد به اروپا و ترکیه در یک سال حدود پنجاه‌هزار لیره تخمین زده شده است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۶۸ و ۴۶۹). این ظرفیت باعث شد در اواخر سده نوزدهم میلادی/ سیزدهم قمری، سلطان‌آباد در این زمینه در کانون توجه مستقیم شرکت‌های تجاری خارجی قرار گیرد که گزارش نماینده وزارت مالیه به مرکز مؤید این سخن است: «سلطان‌آباد عراق مرکز تجارت قالی و شرکت‌های متعددی است که از تجار

۱۳۵۹: ۵۳). ادواردز (Edwards) علت توجه شرکت زیگلر به تجارت فرش را پیشنهاد یکی از کارمندان آن به نام اسکار اشتراوس (Oscar Straus) می‌داند. این پیشنهاد این‌گونه بود که به جای تبدیل کردن پول‌های به‌دست‌آمده به امپریال (طلای روسی)، وجوه آن را صرف خرید قالی کنند (ادواردز، ۱۳۶۸: ۱۶۰).

این شرکت در سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م، سلطان‌آباد را با هدف رونق تجاری خود انتخاب کرده و شعبه‌ای در خیابان محسنی باز کرد و در سال ۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م، با کمک میرزاتراب‌خان خزائی اراضی اطراف رودخانه را خرید و قلعه فرنگی را در چند هکتار بنا کرد (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۳۲). آلپیگر (Alpiger)، نماینده زیگلر، درباره انتخاب سلطان‌آباد برای تجارت قالی و نقش آن در رفاه مردم آن ولایت می‌نویسد: «در هیچ‌یک از شهرهای ایران چنین رویدادی (قالی‌بافی) را نمی‌بینم، نه در شهرهای ثروتمند و نه در شهرهای کارکن و مرفه. مردم با راحتی تمام می‌پوشند و می‌خورند و زندگی می‌کنند و بسیار راضی و خوشحال به‌نظر می‌رسند؛ همه آنها از راه قالی‌بافی زندگی می‌کنند و تأثیرات خوب (این کار) در تمام ناحیه مشهود است. در سال‌های زندگی‌ام در ایران، مهم‌ترین شهرهای آن را دیدم؛ ولی جایی را ندیدم که مثل سلطان‌آباد این‌قدر مرا بگیرد» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۲).

برای صاحبان شرکت زیگلر فعالیت مستمر، رشد تجاری و برآوردن انتظارات بازارهای خارجی بسیار مهم بود. آنها در این راستا، اسکار اشتراوس (Oscar Straus) آلمانی را در جایگاه نخستین مدیرعامل شرکت خود در سلطان‌آباد تعیین کردند و او به مدت ۲۲ سال ریاست این تجارتخانه را برعهده داشت و چون مردی کاردان و فعال بود، دایره این تجارتخانه

گزارش اداره مالیه عراق به وزارت مالیه در سال ۱۳۵۵ق/۱۹۳۶م، صادرات «پنبه عراق در فاصله بیش از چهار ماه در حدود ۱۹۸۷ من بود» (ساکما، ۲۴۰/۵۲۵۱۱، برگ ۲).

در مقابل تجارت فرش، در جایگاه اصلی‌ترین کالای تجاری سلطان‌آباد، کالاهای وارداتی در بازار این شهر عبارت بودند از: «قند و کاغذ روسیه، نفت بادکوبه و اجناس دیگر خارجی از قبیل ماهوت و انواع فتوره» کبریت، چای و پارچه؛ همچنین تجار عراقی برای رفع نیاز تولیدکنندگان فرش، پشم را از کرمانشاه و گلپایگان و رنگ خامه را از اصفهان و سایر ولایات به این شهر وارد می‌کردند (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

عملکرد تجارتخانه‌ها و تجار خارجی در سلطان‌آباد عراق

یکی از موضوعات مهم تجاری سلطان‌آباد در دوره مدنظر، فعالیت تجارتخانه‌ها و تجار خارجی در این شهر بود. بی‌گمان آنها در رونق تجاری ولایت عراق و شهر سلطان‌آباد نقشی بی‌بدیل داشتند و بسیاری از اسباب شهرت جهانی صنعت عراق مدیون فعالیت‌های آنهاست. بنابراین در ادامه به‌صورت مختصر، شرکت‌های برجسته‌ای را معرفی می‌کنیم که در این زمینه فعال بودند:

شرکت زیگلر (Ziegler): قدیمی‌ترین تجارتخانه خارجی که در عراق فعالیت می‌کرد شعبه شرکت انگلیسی زیگلر بود. این شرکت سویسی‌الاصل فعالیت تجاری خود را در دهه ۱۲۷۰ق/۱۸۵۰م از تبریز و با واردات قماش منچستر و صادرات ابریشم گیلان آغاز کرد و در اواخر قرن نوزدهم به کار تجارت فرش و توسعه قالی‌بافی پرداخت (اشرف،

کرد که در مجموع، نزدیک به سه هزار دستگاه بافندگی در ولایت عراق ایجاد شد که ارزش سالانه تولیدات آنها در حدود پنج میلیون قران بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۴).

شرکت هاتس و پسران (Hats and sons): این شرکت هلندی‌الاصل بود و در سال ۱۳۰۰ ق/ ۱۸۸۳ م، تولید قالی در سلطان‌آباد را به همان سبک شرکت زیگلر با تأسیس صباغ‌خانه آغاز کرد. آنها برای گسترش علم کلاسیک تجارت فرش در این ناحیه، عده‌ای از جوانان را برای کسب دانش نوین فرش و مطالعه علم تجارت به اروپا فرستادند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۳).

شرکت ازمیر یا شرق (Izmir or East): سومین شرکت انگلیسی که به کار تولید و تجارت قالی در سلطان‌آباد مشغول شد ازمیر یا شرق نام داشت. این شرکت در سال ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م در لندن و از ادغام شش شرکت فعال در تجارت قالی تشکیل شد (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۵). این شرکت با شراکت انگلیسی‌ها و عثمانی‌ها و با سرمایه‌ای چند برابر کمپانی زیگلر، زمینه خرید و فروش عمده فرش را فراهم کرد. نخستین مدیر آن ترابیان ارمنی ازمیری بود که پس از چند سال به علت افراط‌کاری در امر اقتصاد، به تهران رفت و مسیو کین (Messi kane) ارمنی ازمیری تبعه عثمانی، جایگزین او شد. عمده تجارت این شرکت با استانبول و آمریکا بود (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). براساس اسنادی که از فعالیت و اختلافات این شرکت با بافندگان و تجارتخانه‌های رقیب در سلطان‌آباد موجود است مشخص می‌شود این شرکت در زمینه تولید و صادرات قالی میدان را از دیگران ربود (ساکما، ۳۶۰/ ۹۰۳۵، برگ ۱؛ ساکما، ۳۶۰/ ۹۲۷۴، برگ ۱).

را وسعت داد؛ همچنین در خلال جنگ جهانی اول، مقام ویس قنسولی را نیز برعهده گرفت (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۴). این تأسیسات حدود ۴۰ هزار یارد مربع (معادل ۳۶ هزار مترمربع) با هزینه ۶ هزار لیره ساخته شد که دارای صباغ‌خانه بود و به علت وسعت بسیار، در بین مردم به قلعه زیگلر (فرنگی) معروف شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۲). این شرکت نظارت بر ۲۵۰۰ دار قالی در سلطان‌آباد و دهات اطراف، به خصوص ساروق و جیریا را به عهده داشت و تهیه نقشه و رنگ‌آمیزی و خامه در محل تجارتخانه انجام می‌شد و زنان براساس قراردایی بافت قالی را در منازل انجام می‌دادند (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۵). فووریه (Fouvery) در سفرنامه خود، درباره نقش و حضور مؤثر زنان در این فعالیت اقتصادی چنین می‌نویسد: «شهر سلطان‌آباد اهمیتی جز مرکزیت تجارت قالی ندارد. در هر خانه، کارگاهی برای بافت قالی برپاست و زنها در عین اینکه به کارهای خانه‌داری خود می‌رسند، به قالی‌بافی نیز مشغول‌اند» (فووریه، ۱۳۸۵: ۳۶۶).

پس از کناره‌گیری اشتراوس، ابتدا هودسن (Hudson) سپس جکسن (Jackson) و بالاخره هوتن (Hutten) به ریاست شرکت انتخاب شدند؛ اما هیچ‌کدام موفقیت او را نداشتند تا اینکه یکی از سهام‌داران بزرگ به نام مایر (Mayer) انتخاب شد. مایر با تأیید دولت انگلیس به‌طور رسمی سمت ویس قنسولی (Weiss Consular) آن دولت را در سلطان‌آباد عهده‌دار شد (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۳۲).

شرکت زیگلر در مدت کوتاهی تعداد دارهای قالی را که در ابتدای ورودشان چهل دستگاه بود، به هزار و دو بیست دستگاه در شهر سلطان‌آباد رساند؛ همچنین در روستاها هزار و پانصد دستگاه دار تأسیس

شرکت کوروس و برادران (Corus and brothers) براساس سند موجود، تجارتخانه آقایان کوروس و برادران در زمینه خرید و فروش و صادرات آن، با نام تجاری مشک‌آباد شکل گرفت (ساکما، بی‌شماره، ۱۳۱۷/۱۲/۲۱).

در تحلیل جایگاه اقتصادی شرکت‌های متعدد خارجی، از جمله شرکت زیگلر، باید گفت در تاریخ تحولات اقتصادی و اجتماعی سلطان‌آباد حضور آنها یکی از نقاط عطف محسوب می‌شود؛ زیرا از مجموع فعالیت صادراتی آنها «سالی دو کرور تومان [یک میلیون تومان] قالی و قالیچه از عراق به خارج حمل می‌شود» (ساکما، ۲۴۰/۶۳۸۶، برگ ۱) که این رقم عدد بسیار درخور توجهی بود و رفاه نسبی حال مردم را موجب می‌شد. بنابراین در اواخر قرن نوزدهم، سلطان‌آباد در پیوند با تجارت داخلی و خارجی به یکی از مناطق مهم تولید فرش صادراتی و ارزآوری تبدیل شد. این رونق مقدمات مرحله دیگری از مهاجرت تجار شهرهای مختلف از جمله کاشان، خوانسار، بروجرد و تعداد معدودی از ارامنه جلفای اصفهان را به شهر سلطان‌آباد در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱/ق ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳م فراهم کرد. بیشتر این مهاجران در حکم منشی و حسابدار در کنسولگری انگلستان و سایر شرکت‌های تجاری عراق مشغول فعالیت شدند.

گفتنی است تداوم این رونق باعث شد تجار بیشتری از ارامنه روانه این شهر شوند و به سرمایه‌گذاری در این صنعت مبادرت کرده و مراکز فرش‌بافی دایر کنند. از معروف‌ترین تجار ارمنی ساکن در سلطان‌آباد افرادی همچون گاراگوزیان، گبو لبنگیان و تافشانچیان بودند؛ البته برخی از آنها ارامنه ایران نبودند و گاهی در جایگاه نماینده شرکت‌های فرش‌بافی اروپا و آمریکا به این منطقه می‌آمدند و

شرکت تلفنیان: شرکت تلفنیان (Telephoneian Co.) را در سال ۱۳۲۲/ق ۱۹۰۵م، یکی از تجار ارمنی شهر به نام تلفنیان دایر کرد. این شخص عامل خرید و صدور فرش به آمریکا بوده و محل کارش سرای نوذری در بازار بود (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۵).

شرکت تاو سند جیان نیویورک: دیگر شرکت فعال عرصه فرش در این دیار، شرکت تاو سند جیان نیویورک (Tao Sindh Jian New York Co.) آمریکا بود که به اسم مدیرش، تریاکیان (Troyakian) شهره داشت. این شرکت از سال ۱۳۳۰/ق ۱۹۱۲م، به میدان رقابت تجاری عراق گام نهاد (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۶) و اداره‌داری و استانداری سابق را محل فعالیت خیش کرد. ساخت ابزار بافندگی، رنگرزی، انبار و امور اداری و نیز تأسیس حدود دوهزار دستگاه قالی از عمده فعالیت‌های این شرکت بود؛ علاوه بر آن نمایندگی نیمه‌رسمی آمریکا در سلطان‌آباد نیز از مسئولیت‌های این شرکت بود (ساکما، ۲۴۰/۷۵۷۴۸).

شرکت قراگوزیان (Ghraygozian): این شرکت در سال ۱۳۳۰/ق ۱۹۱۲م، شعبه‌ای در سلطان‌آباد تأسیس کرد. در مقایسه با دیگر شرکت‌ها فعالیت گسترده‌ای داشت و حدود دوهزار دار قالی دایر کرد و در زمینه پشم‌ریسی و رنگرزی نیز فعالیت می‌کرد. این شرکت در خیابان حجازی قرار داشت (ساکما، ۳۶۰/۴۷۳۷، برگ ۱).

شرکت ایتالیایی انگلیسی برادران نیرکوکاستلی (Nir Cu Cosetti): سابقه فعالیت این تجارتخانه ایتالیایی انگلیسی در سلطان‌آباد به حدود سال ۱۳۳۱/ق ۱۹۱۲م می‌رسد که اداره آن را کاستلی و برادران برعهده داشتند. در مقایسه با دیگر شرکت‌ها، این تجارتخانه گستردگی چندانی نداشت (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۶).

کردند و شرکت‌های بزرگی همچون سلیم شاهیان، قارایت شاهیان و خیاطان بنا کردند (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۳۳).

پس از اتمام کار دوباره به خارج برمی‌گشتند که از جمله آنها باید به نمایندگان شرکت از میر یا شرق اشاره کرد (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). با این وصف، ارامنه در صنعت فرش نقش شایانی ایفا

جدول ۱- مظنه قیمت پوند از ۱۷ اسفند ۱۳۱۳ تا ۲۰ فروردین ۱۳۱۴ ش/ ۲۶ فوریه ۱۹۳۵ تا ۱۰ آوریل ۱۹۳۵ م.

روز / ماه / سال	فروش	خرید	توضیحات
۱۳۱۳/۱۲/۷	۷۴ ریال و ۴۰ دینار	—	فروشنده پوند تاحدودی در بازار فراوان و خریدار کمتر.
۱۳۱۳/۱۲/۱۱	۷۲ ریال و ۷۰ دینار	—	تنزل قیمت پوند در مقایسه با ۴ روز پیش.
۱۳۱۳/۱۲/۱۶	۷۳ ریال	—	مظنه روز گذشته ۶۸ ریال و ۵۰ دینار.
۱۳۱۳/۱۲/۲۳	۶۵ ریال و ۵۰ دینار	—	خریدار نداشت احتمال کاهش قیمت تا ۶۲ ریال.
۱۳۱۴/۱/۲۰	۶۴ ریال و ۷۵ دینار	—	مظنه قیمت پوند در مقایسه با روز گذشته ترقی و تنزل نکرده است.

(نامه عراق، ۲ (۱۲۶-۱۲۷-۱۲۹-۱۳۲) اسفند ۱۳۱۳: ۱، ۳، ۲، ۱، ۳؛ نامه عراق، ۲ (۱۴۰) فروردین ۱۳۱۴، ۲).

بررسی نوسانات نرخ پوند (Pound) در بازار سلطان آباد در فاصله ۱۷ اسفند ۱۳۱۳ تا ۲۰ فروردین ۱۳۱۴ ش/ ۲۶ فوریه ۱۹۳۵ تا ۱۰ آوریل ۱۹۳۵ م، براساس جدول بالا قیمت پوند در مدت ۴۰ روز به میزان ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است و افراد فروشنده‌اند تا خریدار. در جدول ۲ نیز نرخ بازار معاملات فرش سلطان آباد در ماه‌های مرداد ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ م ملاحظه می‌شود.

جدول ۲- قیمت فرش در مرداد سال ۱۳۱۶ ش/ آگوست ۱۹۳۷ م.

ردیف	نوع فرش	کشور	نمره	قیمت
۱	فرش بزرگ پارچه نخ فرنگ	باب آمریکا	یک	متری ۲۶۰ ریال
۲	فرش بزرگ پارچه نخ فرنگ	باب آمریکا	دو	متری ۲۳۵ ریال
۳	فرش دوونیم در سه‌ونیم نخ فرنگ	باب آمریکا	یک	متری ۲۴۰ ریال
۴	فرس دوونیم در سه‌ونیم نخ فرنگ	باب آمریکا	دو	متری ۲۰۰ ریال
۵	فرش دوونیم در سه‌ونیم نخ فرنگ	باب آمریکا	سه	متری ۱۸۵ ریال
۶	فرش دو ذرع ساروق	باب آمریکا	یک	۶۴۰ ریال
۷	فرش دو ذرع ساروق	باب آمریکا	دو	۵۸۰ ریال
۸	فرش دو ذرع ساروق	باب آمریکا	سه	۵۴۰ ریال
۹	فرش ذرع و نیم ساروق	باب آمریکا	یک	۳۵۰ ریال
۱۰	فرش ذرع و نیم ساروق	باب آمریکا	دو	۳۰۰ ریال
۱۱	فرش مشک آباد	باب اروپا	یک	۹۰ ریال

(نامه اعراف، ۴ (۴۱۹) مرداد ۱۳۱۶، ۲).

جدول ۳. قیمت فرش در مرداد ۱۳۱۷ش / آگوست ۱۹۳۸م.

بازار معاملات فرش سلطان‌آباد در مرداد ۱۳۱۷ش / آگوست ۱۹۳۸م.				
ردیف	نوع فرش	کشور	نمره	قیمت
۱	فرش بزرگ پارچه نخ فرنگ	باب آمریکا	یک	متری ۱۸۰ ریال
۲	فرش بزرگ پارچه نخ فرنگ	باب آمریکا	دو	متری ۱۶۰ ریال
۳	فرش دوونیم در سه‌ونیم نخ فرنگ	باب آمریکا	یک	متری ۱۷۰ ریال
۴	فرش دوونیم در سه‌ونیم نخ فرنگ	باب آمریکا	دو	متری ۱۵۵ ریال
۵	فرش دوونیم در سه‌ونیم نخ فرنگ	باب آمریکا	سه	متری ۱۴۰ ریال
۶	فرش دو ذرع ساروق	باب آمریکا	یک	۶۰ تا ۵۰۰ ریال
۷	فرش دو ذرع ساروق	باب آمریکا	دو	۵۰۰ ریال
۸	فرش دو ذرع ساروق	باب آمریکا	سه	۴۸۰ ریال
۹	فرش ذرع و نیم ساروق	باب آمریکا	یک	۳۳۰ ریال
۱۰	فرش ذرع و نیم ساروق	باب آمریکا	دو	۳۰۰ ریال
۱۱	فرش مشک‌آباد	باب اروپا	یک	۸۵ ریال

(نامه اراک ۵ (۵۲۳) مرداد ۱۳۱۷، ۱).^۲

حجم گسترده‌ای از کالاهای وارداتی و صادراتی در تجارت عراق جای داشت که در این بین، فرش جایگاهی شاخص داشت و محور تجارت عراق به حساب می‌آمد. در مقابل، مهم‌ترین اقلام وارداتی عراق از ولایات داخلی ایران کالاهایی همچون پشم، رنگ خامه و دیگر مواد اولیه قالی‌بافی بود. کالاهایی همچون قند، چای، برنج، نفت، شکر، قماش، و بلورآلات نیز از مهم‌ترین اقلام وارداتی از بازارهای خارجی بود.

در میان موضوعات مهم تجاری ولایت عراق به‌ویژه شهر سلطان‌آباد در دوره موضوع بحث، حضور تجارتخانه‌های خارجی و داخلی بسیار بااهمیت و درخور توجه است. تجارتخانه‌های خارجی همچون زیگلر، از میر، سندجیان نیویورک و غیره به‌همراه شرکت‌های داخلی همانند سلیم شاهیان، قارایت شاهیان و خیاطان نبض تجاری عراق را به دست گرفته بودند. این شرکت‌ها با سرمایه‌گذاری‌های کلان و به‌کارگیری نیروی کار، اسباب رونق فرش‌بافی و سایر صنایع زیرمجموعه آن

جدول‌های ۲ و ۳ قیمت انواع مختلف فرش ولایت سلطان‌آباد عراق را با آمریکا و اروپا در ماه‌های مرداد/آگوست سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ش / ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸م نشان می‌دهد. در این مقایسه آماری مشخص می‌شود قیمت فرش در مرداد ۱۳۱۷ش / آگوست ۱۹۳۸م، در مقایسه به همان ماه در سال ۱۳۱۶ش / آگوست ۱۹۳۷م، تنزل چشمگیری داشته است و تنها در ردیف ۱۰، قیمت فرش ذرع نیم ساروق باب آمریکا (نمره دو) تغییر نکرده است.

نتیجه

مناسبات تجاری ولایت عراق از دوره مشروطه تا پایان دوران پهلوی اول یکی از مهم‌ترین دوره‌های اقتصادی و تجاری این ناحیه است. این منطقه به‌واسطه موقعیت جغرافیایی مناسب، تولید فرش‌های باکیفیت، استقرار تجارتخانه‌های خارجی و داخلی، حضور تجار محلی و مشارکت ارمانه مهاجر و نیز روابط گسترده با کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا عرصه را برای شکوفایی تجاری فراهم آورد.

کتابنامه

الف. کتاب

- . اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران: پیام.
- . اصطخری، ابراهیم‌بن‌محمد، (۱۳۶۸)، *مسالك و ممالک*، ترجمه ایرج افشار، تهران: علمی فرهنگی.
- . ارباب کیخسرو، (۱۳۸۲)، *کتاب خاطرات ارباب کیخسرو*، به کوشش شاهرخ شاهرخ، راشنا رایتر، ترجمه غلامحسین میرزاصالح، تهران: مازیار.
- . ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۸۴)، *تجّار، مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: تاریخ ایران.
- . عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- . دهگان، ابراهیم، (۱۳۴۵)، *کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک*، اراک: چاپخانه موسوی.
- . زندگی، منوچهر، (بی‌تا)، *نظریه‌های اقتصادی در قرن بیستم*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- . سیسیل، ادواردز، (۱۳۶۸)، *قالی ایران*، ترجمه مهین‌دخت صبا، ج ۲، تهران: فرهنگسرا.
- . *ظل‌السلطان*، مسعودمیرزا، (۱۳۶۲)، *خاطرات ظل‌السلطان*، به اهتمام و تصحیح حسین خدیوجم، تهران: اساطیر.
- . کرزن، جرج. ن، (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، چ ۴، تهران: علمی فرهنگی.
- . لسترنج، گای، (۱۳۶۴)، *جغرافیای تاریخی خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی فرهنگی.
- . لمبتون، ا. ک. س، (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی فرهنگی.

همچون رنگرزی، پشم‌ریسی، نخ‌ریسی، نقشه‌کشی و مانند آن را تسهیل کردند.

این روابط تجاری زمینه معرفی سلطان‌آباد را در جایگاه مرکز تجاری برجسته در آغاز قرن بیستم مهیا کرد و فرآیند تقویت نقش تجاری و توسعه صنعت قالی‌بافی و در نتیجه وابستگی آنها به اقتصاد جهانی رقم خورد. در این بین برخی مسائل همچون جنگ جهانی اول و بحران‌های ناشی از آن، نبود راه‌های ارتباطی مناسب، نبود امنیت سراسری و محلی به‌علت تجاوز قوای اشغالگر و تعرض‌های لره‌های همسایه و اشرار و یاغیان محلی روند رشد تحولات اجتماعی و اقتصادی سلطان‌آباد را تحت‌تأثیر خود قرار داد. از عوامل خارجی تأثیرگذار بر تجارت خارجی نیز باید به محدود شدن روابط سیاسی ایران با کشورهای اشاره کرد که در سلطان‌آباد شرکت‌های تجاری یا دفاتر نمایندگی داشتند. این امر انحصاری شدن تجارت فرش و بهره‌نبردن تجار سلطان‌آباد از رقابت بازار آزاد را موجب شد.

پی‌نوشت

۱. مجلس دوم مشروطه در تاریخ پنجم ربیع‌الاول ۱۳۲۸ ق، برای آنکه برای بلدیه عایداتی فراهم شود، قانون نواقل را تصویب کرد که از بارکش‌ها (اسب، الاغ، شتر، گاری و دوچرخه) می‌گرفتند و وصول آن با وزارت مالیه و برعهده مأموران تفتیش دروازه‌ها بود (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۱۳۴/۲).
۲. براساس تغییر نام برخی از شهرها در دوره رضاشاه، از آغاز سال ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۸ م، نام سلطان‌آباد عراق به اراک تبدیل شد و پس‌از آن انتشار نامه عراق به اسم نامه اراک ادامه پیدا کرد.

- محبوبی اردکانی، حسین، (۲۵۳۷)، تاریخ مؤسسات
 تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
 محتاط، محمدرضا، (۱۳۶۸)، سیمای اراک؛
 جامعه‌شناسی شهری، تهران: آگه.
 مذاکرات مجلس شورای ملی دوره پنجم، (بی‌تا)،
 ج ۲، تهران.
 میلسپو، آرتور، (۱۳۵۶)، مأموریت آمریکایی‌ها در
 ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: پیام.
 فووریه، (۱۳۸۵)، سه سال در دربار ایران، ترجمه
 عباس اقبال، تهران: علم.
 وکیلی تبریزی، رضا، (۱۳۹۵)، تاریخ عراق
 (سلطان‌آباد عراق، اراک)، بازخوانی محمد مددی،
 تهران: آیندگان.
- ب. اسناد**
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما).
 شماره سند ۲۹۰/۱۴۰۵ .
 شماره سند ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵ .
 شماره سند ۲۴۰/۴۷۳۹۹ .
 شماره سند ۲۹۳/۳۳۷۹ .
 شماره سند ۲۹۱/۱۱۲۱ .
 شماره سند ۲۴۰/۱۰۵۱۲ .
 شماره سند ۲۴۰/۲۰۹ .
 شماره سند ۲۹۰/۲۲۱۸ .
 شماره سند ۲۹۰/۱۴۰۵ .
 شماره سند ۲۹۰/۲۴۲۶ .
 شماره سند ۲۱۰/۱۰۸۴ .
 شماره سند ۲۴۰/۶۳۸۶ .
 شماره سند ۲۴۰/۵۲۵۱۱ .
 شماره سند ۳۶۰/۹۰۳۵ .
 شماره سند ۳۶۰/۹۲۷۴ .
- شماره سند ۲۹۷/۲۴۸۰۳ .
 شماره سند ۲۹۳/۵۹۶۱ .
 شماره سند ۲۹۳/۶۲۳ .
 شماره سند ۲۹۰/۱۸۳۹ .
 شماره سند ۲۴۰/۹۸۹۵ .
 شماره سند ۳۶۰/۵۳۸۷ .
 شماره سند ۳۶۰/۸۸۴۴ .
 شماره سند ۲۴۰/۵۷۴۷ .
 شماره سند ۳۶۰/۴۷۳۷ .
- کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
 (کمام).**
 شماره سند ۲/۱۵۹ / ۲۸/۱/۱۶/۸۳ .
 شماره سند ۲/۱۵۹ / ۲۸/۱/۱۱/۸۳ .
 شماره سند ۲/۱۵۹ / ۲۸/۱/۱۶ .
 شماره سند ۲/۱۵۹ / ۲۸/۱/۱۱ .
- ج. نشریات**
 نامه عراق، ۱۳۱۳-۱۳۱۷ ش، چاپخانه موسوی،
 عراق (اراک).
 نامه عراق، (۲) ش: ۱۵۲، سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۱۴، ۲.
 نامه عراق، (۴) ش: ۴۳۴، پنجشنبه ۱۳۱۶، ۱.
 نامه عراق، (۲) ش: ۱۲۶، سه‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۱۳، ۳.
 نامه عراق، (۲) ش: ۱۲۷، شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۱۳، ۱.
 نامه عراق، (۲) ش: ۱۲۹، شنبه ۱۶ اسفندماه ۱۳۱۳، ۱.
 نامه عراق، (۲) ش: ۱۳۲، پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۱۳،
 ۲.
 نامه عراق، (۲) ش: ۱۴۰، چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۱۴،
 ۲.
 نامه عراق، (۴) ش: ۴۱۹، یکشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۱۶، ۲.
 نامه عراق، (۵) ش: ۵۲۳، شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۱۷، ۱.
 مجله افاق تجارت: ۱۳۱۷-۱۳۰۸ خورشیدی:

(سال‌های: ۱۳۱۱، ۱۳۱۴، ۱۳۱۶)

- .۲ مجله اتاق تجارت، ۴ (۱۷۷۹) ۲۱ آذر ۱۳۱۱، ۲.
- .۴ مجله اتاق تجارت، ۶ (۲۵۸۹) ۲۶ شهریور ۱۳۱۴، ۴.
- .۳۰ مجله اتاق تجارت، ۸ (۱۵۸) ۱۵ خرداد ۱۳۱۶، ۳۰.
- .۲۲ مجله اتاق تجارت، ۸ (۱۶۱ و ۱۶۲) مرداد ۱۳۱۶، ۲۲.
- .۲۴ مجله اتاق تجارت، ۹ (۱۷۴) ۱۵ بهمن ۱۳۱۶، ۲۴.

